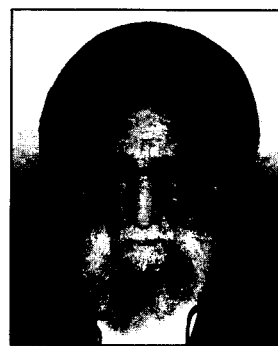


## در گذشتگان

آیت الله ابن الرضا



حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج سید محمدعلی ابن الرضا، برترین عالم معاصر خوانسار به شمار می رفت. فقید سعید در ربیع الاول ۱۳۳۱ ق، در شهر خوانسار، در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم آیت الله حاج میرزا محمود ابن الرضا (۱۲۸۵-۱۳۵۶ ق) - فرزند آقاسید محمود بن حاج سیدحسن، بن حاج میرجعفر، بن آقاسید محمدعلی، بن سیدکمال رضوی - یکی از بزرگان علمای خوانسار و از شاگردان آیات عظام: میرزا محمد هاشم چهارسوقی، آقانجفی اصفهانی و حکیم جهانگیرخان قشقای (در اصفهان) و حضرات آیات عظام: آخوند خراسانی، سیدمحمد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سیداسماعیل صدر و ملافتح

علی سلطان آبادی (در نجف اشرف) و استاد اولیه بزرگانی چون آیات عظام: حاج سیدمحمد تقی خوانساری، حاج سیداحمد خوانساری، حاج شیخ موسی خوانساری و حاج سیدمصطفی صفایی خوانساری بوده است. (سیدمهدی ابن الرضا؛ ضیاء الابصار؛ ج ۲، ص ۴۵۷). جدش مرحوم آقامیرزا محمود هم از فضلا و خطاطهای خوانسار بوده است که دیوان امیرالمؤمنین - علیه السلام - به خط او به چاپ رسیده و پدر جدش هم آقاسیدحسن رضوی، بانی و ناشر شرح لمعه بوده است.

معظم له نزد پدر بزرگوارش بالید و پس از دوران کودکی، در نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات و سطوح را نزد حضرات: میرزا محمود ابن الرضا، ملا محمدحسن شاکریان، میرزا یوسف مهدویانی و میرزا عبدالجواد موسوی فرا گرفت و پس از آن در سال ۱۳۴۷ ق رهسپار حوزه علمیه قم شد. وی مطول را نزد علامه میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و سطوح عالییه را نزد حضرات آیات: گلپایگانی، نجفی مرعشی، میرزا خلیل کمره ای و حاج سیدمحمد تقی خوانساری آموخت و شایستگی حضور در درس خارج آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حائری و سیدمحمد تقی خوانساری را پیدا کرد و سال ها در مجلس درس آن دو فقیه

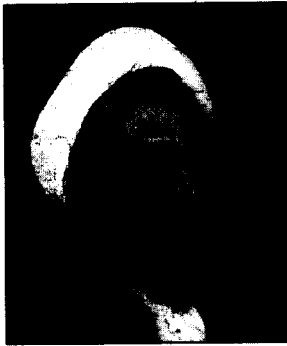
بزرگ، زانوی ادب به زمین زد و بهره های فراوان برد.

در سال ۱۳۵۶ ق (۱۳۱۶ ش)، در پی درگذشت والد ماجدش و بیماری و ضعف مزاجش، به زادگاهش بازگشت و به خدمات علمی و دینی فراوان مانند: تدریس و تربیت شاگردان، تأسیس حوزه علمیه ولی عصر (عج)، اقامه جماعت (در مسجد والدش)، ارشاد و موعظه مردم، رسیدگی به امور مردم، بنیاد مراکز خیریه و عام المنفعه مانند: مساجد، حمام ها و درمانگاه ها پرداخت و این بیش از هفتاد سال از عمر شریفش را دربر گرفت.

او در سال ۱۳۵۰ ش، به امر آیت الله العظمی حاج سیداحمد خوانساری، مدرسه علمیه ولی عصر (ع) را در خوانسار بنا نهاد و صدها نفر از طلاب و فضلا را به بهترین وجه تربیت نمود و آنان را با سخنان و مواعظ و نصایح حسنه خویش - که برخاسته از قرآن و حدیث و همراه با کردار و رفتار خویش بود - پرورش داد و هم اکنون نیز آن حوزه علمیه، یکی از بهترین حوزه های علمیه کشور به شمار می رود.

به فرموده مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: «آن شخصیت جلیل، عمر طولانی و پربرکت خود را در خدمت به اسلام و مذهب اهل بیت (ع) در سنگرهای متعدد و تدریس و تربیت فضلا، اقامه شعائر دین و نوکری

حجت الاسلام فاکر



حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدرضا فاکر خراسانی، یکی از فضیله‌های حوزه علمیه قم بود.

فقید سعید در سال ۱۳۲۴ ش در مشهد مقدس زاده شد. در کودکی همراه پدرش به اصفهان مهاجرت کرد و در سال ۱۳۳۶ به بعد، به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را در مدرسه صدر آموخت. سپس به مشهد بازگشت و سیوطی و مغنی را نزد ادیب نیشابوری، مطول را نزد آقای حاج شیخ احمد امین شیرازی و شرح لمعه را هم از دروس آیت الله حاج سیداحمد مدرس یزدی فرا گرفت. در سال ۱۳۴۳ ش به قم آمد و باقیمانده شرح لمعه را نزد حضرات آقایان: شیخ غلامرضا صلواتی و میرزاحسن دوزدوزانی آموخت و پس از آن سطوح عالییه را از حضرات آیات: فاضل لنکرانی (مکاسب)، نوری همدانی (رسائل)، سلطانی طباطبائی (کفایه) و مشکینی (تفسیر) فرا گرفت. آن گاه به دروس خارج آیات عظام: آقای گلپایگانی (فقه) و وحید خراسانی (اصول) حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. او سالیان بسیار به تدریس آموخته هایش و در ضمن به ترویج مبانی دین و مذهب از راه تبلیغ و منبر پرداخت و در این راه زحمات فراوان کشید و همواره به عنوان یکی از خطبای مطرح و نامی معرفی می شد. وی در دوران مبارزه روحانیت با

داشت و نمونه‌ای از سلف صالح بود که دیدارش انسان را به یاد خدا و اولیاء خدا می انداخت. در تفسیر و حدیث و تاریخ و کلام و ادب عربی و شعر فارسی دستی توانا داشت و این از گفتارهای شیرینش نمایان بود. که نمونه‌ای از آن را در کنگره بزرگداشت آقا حسین خوانساری در مهرماه ۱۳۷۶ در خوانسار شاهد بودم که احادیث فراوانی در بزرگداشت علم و عالم، از حفظ قرائت فرمود.

آثارش عبارتند از:

۱. انوار فروزان هدایت (به عربی و اردو هم ترجمه شده است)؛
- این کتاب، مجموعه‌ای از بیانات معظم له درباره: عقل و علم، توحید و نبوت، امامت و معاد (جسمانی و روحانی)، قرآن، مواظب، اخلاق حسنه و عدالت است.
۲. تفسیر سوره حجرات؛
۳. تفسیر سوره لقمان؛
۴. مجموعه اشعار (فارسی و عربی)؛
۵. دفاتر متعدد (از کتاب‌های گوناگون). آن فقیه بزرگوار، پس از یک قرن علم آموزی و نورافشانی، سرانجام در صد سالگی، در شامگاه روز سه شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۹ ش (۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۱ ق) چشم از جهان فرو بست و به اجداد طاهرینش پیوست. با اعلام خبر وفاتش، در خوانسار سه روز عزای عمومی اعلام شد و از سوی قاطبه مراجع معظم تقلید، پیام‌های تسلیت صادر گردید و بیکر پاکش روز پنجشنبه (۱۲ فروردین) با حضور پرشکوه مردم، روحانیت و نمایندگان مراجع تقلید، تشییع و پس از نماز فرزند برومندش حجت الاسلام والمسلمین حاج سیدمهدی ابن الرضا، در جوار پدر بزرگوارش و اجداد و نیاکانش در قبرستان مصلی به خاک سپرده شد.

\*

با اخلاص حضرت سیدالشهدا (ع)، در اقامه مراسم ویژه عاشورا و اربعین، دفاع از حدود و ثغور عقاید حقه، نشر و ترویج معارف قرآنی، هدایت و حیانی و تحکیم مبانی مکتب راستین جعفری و اعانت فقرا و مستضعفان و دستگیری از ایتم آل محمد (ص) و تأسیس حوزه علمیه در شهرستان خوانسار سپری نمود. خصوصاً امروز که حوزه علمیه این شهر در بین تمام حوزه‌های کشور موقعیتی خاص و موفقیت‌های درخشان کسب نموده، از آثار جاودان، تحسین برانگیز و افتخار آفرین ایشان است. فقدان چنین عالم بلندمقام و خادم مخلص آقا حضرت صاحب الزمان - ارواح العالمین له الفداء - موجب کمال تأسف و اندوه و تأثر است ... \*

معظم له از گروه بسیاری از علما و مراجع تقلید، همانند آیات عظام: سیدابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی، آقای بروجردی، آقای خویی، سیدمحمدتقی خوانساری، سیداحمد خوانساری، میرزا ابراهیم اصطهباناتی، سیدجمال گلپایگانی، مرعشی نجفی و بسیاری دیگر، اجازه روایت و امور حسیبه داشت و به گروهی نیز (همانند آقای سیدمحمدابن الرضا و ناصرالدین انصاری قمی) اجازه روایت بخشوده بود.

آن مرحوم، در دوران طلبگی خویش، برخی کتاب‌های مخطوط و چاپی نادر را استنساخ نمود که از جمله عبارتند از: الافصاح (شیخ مفید)، الهیة والاسلام (سید هبة الدین شهرستانی)، فلسفة الانسان (علی اکبر هزارجریبی حائری)، القرآن والعلوم العصریة (عبدالحمید الجندی).

او از کتاب‌های مختلف، یادداشت برداری می کرد و از این رو مجموعه‌های بسیاری در تاریخ، تفسیر، حدیث و شعر و ادب، از او برجای مانده است.

فقید سعید خطی خوش، اخلاقی نکو و زندگی ساده و سرشار از زهد و معنویت

رژیم ستمشاهی، یکی از مبارزان و مجاهدان راه خدا بود. از همان دوران طلبگی اش در مشهد، اعلامیه های امام را تکثیر و استنساخ می کرد و به دیگران می رسانید که به همین دلیل در سال ۱۳۴۱ بازداشت و روانه زندان شد.

سپس در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر شد و چند ماه همراه با مقام معظم رهبری زندانی بود. سومین بار در اوایل سال ۱۳۵۲ دستگیر شد و تا اواخر سال ۱۳۵۵ در زندان به سربرد کسه علت آن، سخنرانی اش در نهاروند علیه رژیم شاه و همکاری او با گروه ابوذر بود. وی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخست به عنوان نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزیده شد و پس از دوران نمایندگی، از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ریاست و سرپرستی «دفتر انتشارات اسلامی» را برعهده گرفت و بیش از پانصد عنوان از میراث فکری شیعه، به ویژه کتاب های مخطوط علمای بزرگ را از زاویه خمبول به در آورد و به چاپ رساند.

آن مرحوم، پیش و پس از انقلاب با گروه های فکری انحرافی مبارزات عمیق داشت و خطوط التقاطی را سخت افشا می نمود و به همین خاطر مورد بغض و کینه آنان بود و پس از انقلاب، سه بار مورد سوء قصد حرامیان قرار گرفت که - بحمدالله - جان سالم به در برد. وی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم، هفتم و هشتم) و نماینده مردم خراسان رضوی در مجلس خبرگان رهبری بود. او در راه یاری و کمک به نیازمندان از هیچ کوششی دریغ نمی کرد و هرچه به دستش می رسید و هرکار از او برمی آمد، برای آنان انجام می داد.

از آن مرحوم، به جز تقریرات دروس استادانش، تعلیق و تحقیق مکاسب (محرمه)، در ۲ جلد با همکاری آقای حاج شیخ

محمدحسین امراللهی) برجای مانده است. سرانجام چراغ عمر آن فقید، پس از ۶۴ سال در پی بیماری، روز پنجشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ (۲۶ صفر الخیر ۱۴۳۱ ق) خاموش شد و پیکر پاکش روز جمعه در قم با تشییع شایسته و پس از نماز آیت الله العظمی مکارم شیرازی، به مشهد مقدس انتقال داده شد و روز یکشنبه ۲۵ بهمن (۲۹ صفر)، پس از تشییع باشکوه، در ایوان طلای حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد و در غم فقدانش پیام تسلیتی از سوی مقام معظم رهبری صادر شد.

\*

#### استاد فتلاوی



دوست دانشمند ما، محقق و پژوهشگر سختکوش، عنصر تلاش و تعهد، استاد کاظم (عبود ظاهر) فتلاوی یکی از مؤلفان و محققان نجف اشرف بود که ناباورانه، در اوج فضل و دانش رخ در نقاب خاک کشید و عالم علم را به سوگ خود نشانید. آن مرحوم، در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۸۰ ق در نجف اشرف زاده شد. در نوجوانی، تحصیلات خود را ناتمام گذاشت و به کارهای آزاد روی آورد، اما از مطالعه و خواندن فراوان دست نکشید و همین، او را به سوی استادان بزرگوار: سیدمرتضی فیاض، سیدعبدالستار حسنی و بیش از همه استاد علامه سید محمدحسن آل طالقانی کشانید و در محضر آنان رجال و انساب و تاریخ و به ویژه علم تراجم را آموخت و با کانون های شعر و ادب نجف، ارتباط و

علاقه بسیار برقرار ساخت و ذوق ادبی اش در این مجامع، شکوفا شد و به سرودن اشعار بسیار به لغت فصیح و لهجه نجفی پرداخت. او همزمان به تألیف و تدوین کتاب های متعدد در علم رجال و تراجم پرداخت و با سعی و کوشش فراوان توانست آثار گرانبغری پدید آورد.

وی، از بیش از چهل تن از علما و دانشمندان شیعه و عامه، اجازه روایت داشت که برخی از آنان علاوه بر استادانش عبارتند از: حضرات آیات: سیدعلی بهشتی، سیدسعید حکیم، شیخ علی غروی، شیخ مرتضی بروجردی، سیدمحمد رضا خراسان، سیدمحمد رضا حسینی جلالی، سید علاءالدین غریفی، شیخ عبدالحسین مظفر (و از سر عشق و علاقه به علم و حدیث و روایت) از این بنده هم اجازه روایت اخذ کرد و من هم از او اجازه روایت گرفتم - که در اصطلاح، این اجازه مدبّح است.

او عاشق علم و دانش، متواضع، با اخلاقی خوش و مجلسی پر بار از مطالب علمی بود.

آثارش عبارتند از:

الف) کتاب های چاپی

۱. المنتخب من اعلام الفكر والادب (۳ ج) یک جلد به چاپ رسیده؛
  ۲. مستدرک شعراء الغری (۳ ج)؛
  ۳. الکشاف المنتقی لفضائل المرتضی؛
  ۴. مشاهیر المدفونین فی الصحن الحیدری الشریف؛
  ۵. معجم المحققین العراقیین؛
  ۶. الانساب المنظومة؛
  ۷. الاجازة الکبیرة (علامه حلی، تحقیق)؛
  ۸. آل فتنه، تاریخهم، اعلامهم، انسابهم (ج ۱).
- ب) کتاب های غیر چاپی
۱. تتیم مواقع النجوم (محدث نوری)؛
  ۲. المثبت الجدید فی معرفة المشایخ والاسانید؛